

امام محمد غزالی



مکاشفة القلوب

در علم تصوف



ترجمہی سید ناصر طباطبائی



۱۲۲	باب بیست و سوم: صله‌ی رحم و حقوق والدین
۱۲۷	باب بیست و چهارم: نیکی به پدر و مادر
۱۳۱	باب بیست و پنجم: زکات و بخل
۱۳۵	باب بیست و ششم: آرزو
۱۳۸	باب بیست و هفتم: اطاعت از خدا و ترک حرام
۱۴۷	باب بیست و هشتم: یاد کردن از مرگ
۱۵۵	باب بیست و نهم: یاد کردن از آسمان‌ها و اجناس گوناگون
۱۵۷	باب سی‌ام: کرسی، عرش، ملائکه مقرب، روزی و توکل
۱۶۱	باب سی و یکم: ترک و ذمّ دنیا
۱۸۰	باب سی و دوم: مذمت دنیا
۱۸۶	باب سی و سوم: فضیلت قناعت
۱۹۳	باب سی و چهارم: فضیلت فقیران
۲۰۴	باب سی و پنجم: گرفتن دوست به جای خدا و بیان عرصات
۲۰۷	باب سی و ششم: نفخ صور، وحشت و برخاستن از گورها
۲۱۱	باب سی و هفتم: داوری میان خلائق
۲۱۵	باب سی و هشتم: مذمت مال
۲۲۰	باب سی و نهم: اعمال، میزان و عذاب آتش
۲۳۲	باب چهلم: فضیلت طاعت
۲۳۸	باب چهل و یکم: شکر
۲۴۲	باب چهل و دوم: مذمت کبر
۲۴۹	باب چهل و سوم: تفکر در روزها و غیر آن
۲۵۵	باب چهل و چهارم: سختی مرگ
۲۵۹	باب چهل و پنجم: قبر و سؤال آن
۲۶۴	باب چهل و ششم: علم الیقین، عین الیقین و سؤال در روز محشر
۲۶۷	باب چهل و هفتم: فضیلت یاد کردن از خداوند
۲۷۲	باب چهل و هشتم: فضیلت نماز
۲۷۵	باب چهل و نهم: عقوبت تارک نماز
۲۸۶	باب پنجاهم: عرصات و عذاب دوزخ
۲۸۹	باب پنجاه و یکم: عذاب دوزخ
۲۹۴	باب پنجاه و دوم: خوف از گناه
۲۹۹	باب پنجاه و سوم: فضیلت توبه

۳۰۵	باب پنجاه و چهارم: نهی از ستم
۳۰۹	باب پنجاه و پنجم: نهی از ستم به یتیم
۳۱۲	باب پنجاه و ششم: مذمت کبر
۳۱۶	باب پنجاه و هفتم: فضیلت تواضع و قناعت
۳۲۱	باب پنجاه و هشتم: فریب دنیا
۳۲۵	باب پنجاه و نهم: مذمت و پرهیز از دنیا
۳۳۰	باب شصتم: فضیلت صدقه
۳۳۳	باب شصت و یکم: برآورده کردن نیازهای برادر مسلمان
۳۳۶	باب شصت و دوم: فضیلت وضو
۳۳۸	باب شصت و سوم: فضیلت نماز
۳۴۳	باب شصت و چهارم: ترس‌های روز قیامت
۳۴۶	باب شصت و پنجم: در توصیف دوزخ و میزان
۳۴۹	باب شصت و ششم: مذمت کبر و خودپسندی
۳۵۲	باب شصت و هفتم: احسان به یتیم و پرهیز از ستم
۳۵۵	باب شصت و هشتم: خوردن مال حرام
۳۵۹	باب شصت و نهم: نهی از ربا
۳۶۲	باب هفتاد: حقوق بنده
۳۶۵	باب هفتاد و یکم: مذمت پیروی از هوای نفس و بیان زهد
۳۷۱	باب هفتاد و دوم: توصیف بهشت و مراتب ساکنان آن
۳۷۶	باب هفتاد و سوم: صبر، رضا و قناعت
۳۸۰	باب هفتاد و چهارم: فضیلت توکل
۳۸۲	باب هفتاد و پنجم: فضیلت مسجد
۳۸۴	باب هفتاد و ششم: ریاضت و فضیلت اهل کرامت
۳۹۰	باب هفتاد و هفتم: ایمان و نفاق
۳۹۴	باب هفتاد و هشتم: نهی از غیبت و سخن چینی
۳۹۹	باب هفتاد و نهم: عداوت شیطان
۴۰۲	باب هشتادم: محبت و محاسبه نفس
۴۰۷	باب هشتاد و یکم: در آمیختن حق و باطل
۴۰۹	باب هشتاد و دوم: فضیلت نماز جماعت
۴۱۱	باب هشتاد و سوم: فضیلت نماز شب
۴۱۵	باب هشتاد و چهارم: عقوبت علمای دنیایی

باب هشتاد و پنجم: در فضیلت خوش اخلاقی	۴۱۸
باب هشتاد و ششم: خنده، گریه و لباس	۴۲۱
باب هشتاد و هفتم: فضیلت قرآن و فضیلت علم و عالمان	۴۲۳
باب هشتاد و هشتم: فضیلت نماز و زکات	۴۲۵
باب هشتاد و نهم: نیکی به والدین و حقوق فرزندان	۴۲۷
باب نود: حق همسایه و نیکی به نیازمندان	۴۳۰
باب نود و یکم: عقوبت شارب خمر	۴۳۳
باب نود و دوم: معراج پیامبر(ص)	۴۳۶
باب نود و سوم: در فضائل جمعه	۴۳۹
باب نود و چهارم: حق زوجه بر زوج	۴۴۱
باب نود و پنجم: حق زوج بر زوجه	۴۴۴
باب نود و ششم: فضیلت جهاد	۴۴۷
باب نود و هفتم: مکر شیطان	۴۴۹
باب نود و هشتم: سماع	۴۵۱
باب نود و نهم: نهی از بدعت و پیروی از هوای نفس	۴۵۴
باب صد: فضائل ماه رجب	۴۵۷
باب صد و یکم: فضیلت ماه شعبان	۴۵۹
باب صد و دوم: فضیلت ماه رمضان	۴۶۲
باب صد و سوم: فضیلت شب قدر	۴۷۶
باب صد و چهارم: در فضیلت عید	۴۶۷
باب صد و پنجم: در فضیلت دهم ذیحجه	۴۶۹
باب صد و ششم: فضیلت ضیافت فقیران	۴۷۲
باب صد و هفتم: جنازه و قبر	۴۷۵
باب صد و هشتم: ترسیدن از عذاب دوزخ	۴۷۹
باب صد و نهم: میزان و صراط	۴۸۱
باب صد و دهم: وفات رسول خدا(ص)	۴۸۳
نمایه‌ها	۴۹۱
نمایه اشخاص و اماکن	۴۹۲
نمایه واژگان عرفانی	۴۹۹
مآخذ و منابع	۵۰۴

مقدمه مترجم^۱

امام ابو حامد محمد بن محمد غزالی در ۴۵۰ هـ / ۱۰۵۸ م در توس در استان خراسان زاده شد. پدرش مردی صالح بود که به شرکت در مجالس صوفیان، واعظان و فقیهان تمایل داشت و پیوسته آرزویش این بود که پسری واعظ و پسری فقیه داشته باشد. پدر چون از مرگ خویش آگاه شد فرزندان خود را نزد درویشی که از دوستان وی محسوب می شد سپرد و گفت: «می خواهم این دو کودک به تحصیل علم بپردازند و تو ایشان را آموزش بده و در این راه تمام میراثم را که برای ایشان می گذارم، هزینه کن.»

درویش پس از آن که به وصیت دوست خود عمل کرد، میراث موجود به پایان رسید و در سال ۴۶۶ هـ. به هر دو پیشنهاد داد تا برای ادامه تحصیل به یکی از مدارس بروند. در آن روزگار مدارس دینی بسیاری تأسیس شده بود که به سبب نام مؤسس آنها یعنی نظام الملک توسی ۴۰۸ - ۴۸۵ هـ، به نام نظامیه خوانده می شد.

در این مدارس به طلاب آموزش، خوراک و خوابگاه رایگان داده می شد. غزالی در آن مدرسه نزد امام الحرمین جوینی به آموزش فقه، منطق و علم کلام پرداخت. غزالی هنوز طلبه ای بیش نبود که کتابی تألیف کرد و آن را «المنخول فی علم الاصول» نام نهاد. جوینی در سال ۴۷۸ هـ. درگذشت و پس از وی غزالی به امر تدریس همت گماشت.

۱. مترجم در نگارش این مقدمه به آثار زیر توجه داشته است:

الف. با غزالی تا بهشت، غلامرضا جمشیدنژاد اول، میراثبان، چاپ اول، ۱۳۸۵.

ب. غزالی نامه، زنده یاد جلال الدین همایی، مطبوعه مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸.

ج. فرار از مدرسه، زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، امیرکبیر، ۱۳۸۷.

غزالی در بغداد دچار نوعی بیماری شد که در پی آن اشتهای خود را از دست داد و زبانش نیز بند آمد. تا آنکه در سال ۴۸۸ هـ. برادر خود احمد را جانشین خویش در بغداد ساخت و خود به عزلت پرداخت و به دمشق رفت و حدود دو سال در آنجا اقامت گزید و در سال ۴۹۱ هـ. به شهر زادگاهش بازگشت.

غزالی یازده سال به عزلت‌گزینی خویش ادامه داد و در سال ۴۹۹ هـ. دعوت فخرالملک فرزند نظام‌الملک را برای تدریس در نظامیه نیشابور پذیرفت. هنوز چند ماهی نگذشته بود که فداییان اسماعیلی این وزیر را ترور کردند و غزالی به اجبار نیشابور را ترک کرد و به توس برگشت و سرانجام در سال ۵۰۵ هـ. / ۱۱۱۱ م در توس رو در نقاب خاک کشید.

برخی معتقدند که غزالی بالغ بر سیصد کتاب و رساله تألیف کرده است که چون بر روزهای عمرش تقسیم شود، به هر روزی از عمر او چهار ورق اختصاص می‌یابد.

کتابی که اکنون خوانندگان در دست دارند به نام «مکاشفة القلوب المقرب الی حضرت علام العیوب» است که خود خلاصه‌ای از کتاب دیگر وی با عنوان «المکاشفة الکبری» است. این‌که چه کسی این کتاب را خلاصه کرده است ناشناخته باقی مانده است و عده‌ای از محققان این اثر را چنان که در بالا یاد شد خلاصه‌ای از کتاب بزرگ‌تری محسوب کرده‌اند.

در پایان مترجم بر خود لازم می‌داند تا به نکته‌ای اشارت دهد و آن بهره بردن از ترجمه‌ی دکتر عبدالمحمد آیتی در ترجمه‌ی آیات قرآن کریم است که همچون گذشته ترجمه‌ی ایشان را مد نظر داشته‌ام. برای ایشان سلامتی و موفقیت از درگاه خداوند متعال خواستارم.

سیدناصر طباطبایی

اسلام‌شهر

اردیبهشت ۱۳۹۰

در خبری از رسول خدا (ص) چنین وارد شده است: **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ لَهْ جَنَاحَ لَهْ جَنَاحَ فِي الْمَشْرِقِ وَ جَنَاحَ فِي الْمَغْرِبِ وَ رَأْسَهُ تَحْتَ الْأَرْضِ وَ رِجْلَاهُ تَحْتَ الْأَرْضِ السَّابِعَهُ وَ عَلَيْهِ بَعْدَ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى رِيشَ فَإِذَا صَلَّى رَجُلٌ أَوْ امْرَأَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَيَّ أَمْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بَأَن يَنْغَمَسَ فِي بَحْرٍ مِنْ نُورٍ تَحْتَ الْعَرْشِ فِيهِ فَيَنْغَمَسُ فِيهِ ثُمَّ يَخْرُجُ وَ يَنْقُضُ جَنَاحَهُ فَيَقْطُرُ مِنْ كُلِّ رِيشَةٍ قَطْرَةٌ فِيهِ فَيَخْلُقُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ الی یومِ الْقِيَامَةِ.**

باب اول:

در بیان خوف

ترجمه: خداوند فرشته‌ای را آفریده که دارای بالی در مشرق و بالی در مغرب است. سرش بر فراز زمین و دو پایش بر فراز هفتمین زمین است. به تعداد خلق خداوند دارای پر است. هنگامی که مرد یا زنی از امت من بر من درود می‌فرستد خداوند به او فرمان می‌دهد تا دریای نوری که زیر عرش قرار دارد فرورود و خود را در آن بشوید. سپس از آن بیرون می‌آید و بال خویش را تکان می‌دهد و از هر پر او قطره‌ای می‌چکد. خداوند از هر قطره‌ی آن، فرشته‌ای را خلق می‌کند تا برای او تا روز قیامت طلب بخشش کند.

عده‌ای از حکما گفته‌اند: سلامتی بدن در اندکی خوراک و سلامتی روح در اندکی گناه و سلامتی دین در درود فرستادن بر بهترین آفریده خداوند است که گوید: